یادداشت

ما و ترامپ؛ ما و ایران

ادامه از صفحه اول

عیب ندارد که انسان در راه خداوند شهید شود، ولی آیا اگر همه شهید شوند و همه خان‌ومان آنان نابود شود، خدمت به گردن‌کشان نیست؟ به کشور خود نگاه کنیم، نمی‌توان به انقلابی بین‌المللی معتقد بود و اهداف بزرگ انقلابی را در سر داشت، ولی جامعه‌ای به‌شدت آسیب‌پذیر تنظیم کرد. همین جامعه آسیب‌پذیر، انقلابیون را سرانجام به ساکتین و تسلیم‌شدگان تبدیل خواهد کرد. اصل بقا برای تداوم مبارزه و تدبیر برای حفظ نفوس و امکانات از بدیهیات است. نابودی غزه و صدها هزار شهید و معلول و ناقص‌العضو و آوارگی ۱.۵ میلیون نفر اگر منجر به به‌تعویق‌افتادن پیمان ابراهیم باشد، شاید مرهمی بر دل‌های کودکان بی‌مادر و مادران بی‌کودک باشد، درحالی‌که امروز اگرچه هنوز پیمان ابراهیم کامل نشده، اما به جای اذان بلال در بالای کعبه در صدر اسلام که موجب گسترش و تقویت اسلام بود، فردی معلوم‌الحال روی سقف کعبه نمادین، سرود جاهلی سر می‌دهد و نوید نابودی کعبه را به طور عیان هویدا می‌کند. درعین‌حال دانشگاه الازهر مصر و مفتی‌های وهابی که عریان‌شدن قوزک پای یک زن را مستوجب آتش جهنم می‌دانند و بر آن تازیانه می‌رانند و دیگرانی که برای هر کار کوچک مثلا خلاف شرع کفن می‌پوشند، و خیل جمعیت مسلمان، یا از ترس یا به خاطر منافع یا به هر علت دیگر با سکوت خود دشمن را جری‌تر می‌کنند. آنچه می‌گذرد و در طول سال‌های گذشته انجام شده، یک ناترازی بزرگ بین سیاست‌های داخلی که جامعه و کشور را آسیب‌پذیر ساخته، با سخنان و سیاست‌های خارجی ماست. در جهانی زندگی می‌کنیم که چشم قدرت‌های بزرگ مثل غربی‌ها، روس‌ها و چینی‌ها بر جنایات صهیونیسم در نابودی غزه و تجاوز به کشور مستقل لبنان بسته مانده است. در مقایسه با ما، آنان و حتی همسایگان چنین خواهند بود و بسیار ضروری است. با تدبیر و انتخاب راه ماندگار انقلابی‌گری به جای خودبزرگ‌بینی، با اصلاح و تسلیح درونی جامعه به خود بیاییم و به نتیجه انتخابات آن سوی دنیا جلب نشویم. هرچند در طول سال‌های گذشته همیشه «در این برهه حساس» بوده‌ایم و حال هم «در برهه‌ای حساس» هستیم، اما به‌واقع هرگز نیندیشیده‌ایم که پیش از آنکه دهان‌هایمان را باز کنیم، دریچه عقل را بگشاییم. اینک هم در برابر آنچه می‌گذرد، هرگاه چنین کنیم، می‌توانیم توفان‌ها را از سر بگذرانیم.

دن‌کیشوت و مافیای فیلترینگ

ادامه از صفحه اول

...اما در اینجا، آنچه مانع رفع فیلترینگ است، نه یک گروه مافیایی، بلکه ساختاری رسمی و حمایت‌های آشکار از سیاست‌های محدودکننده اینترنت است. باعث و بانی اصلی این محدودیت‌ها، در ظلّ آفتاب در سایه دیوارها نشسته‌اند، گرچه شناس و هویدا هستند، اما هنوز دولت با آنها رودربایستی دارد و آدرس غلط می‌دهد. دولت، که دوست دارد در میان افکار عمومی به‌عنوان قهرمان رفع فیلترینگ ظاهر شود، عملا توان یا شهامت مبارزه با سامانه‌هایی که این سیاست‌ها را تدوین و حمایت می‌کنند، ندارد. به جای اشاره مستقیم به عاملان و تصمیم‌گیران واقعی، با عنوان «مافیای فیلترینگ» سعی در ایجاد دشمنی خیالی دارد؛ گویی با این روش می‌تواند خود را از فشار افکار عمومی برهاند و وانمود کند که مانع اصلی در جایی فراتر از توان اوست. این اصطلاح صرفا ابزاری برای پوشاندن کم‌کاری یا شاید هم از ترسی است که از رویارویی با قدرت‌های واقعی پشت پرده فیلترینگ ناشی می‌شود. اما این شانه خالی‌کردن از بار مسئولیت، تنها نشان‌دهنده شکافی عمیق در سیاست‌گذاری است. آنها که فیلترینگ را پدید آورده‌اند، حاضر به پذیرش مسئولیت نیستند و دولت نیز به دلیل ضعف و محدودیت‌های سیاسی، از نام‌بردن مستقیم از ایشان ناتوان است. نتیجه این می‌شود که مردم، قربانی این بازی پیچیده می‌شوند؛ بازی‌ای که در آن نه شفافیت وجود دارد، نه پاسخ‌گویی. دن‌کیشوت در جست‌وجوی دشمنی خیالی با آسیاب‌های بادی جنگید، اما دست‌کم نیتی خالص داشت. اما در اینجا روایت مافیای فیلترینگ، ابزاری برای فرافکنی و دورکردن نگاه‌ها از حقیقت است؛ حقیقتی که تنها با شهامت و شفافیت می‌توان آن را آشکار کرد.

مشاغل کاذب؛ میراث روندهای غلط

اما این به آن معنا نیست که فروشندگان فیلترشکن ضعیف و بی‌عمل هستند. هرجا که بازاری شکل می‌گیرد، قدرت هم به وجود می‌آید. اما اقتصادی که حاصل آزار اجتماعی باشد، قدرت آن نیز شر مطلق است. اگر همدست دولت شود شرارت آن نیز دوچندان می‌شود. این مشاغل، نه از نیاز واقعی جامعه، بلکه از دل خطاهای ساختاری و تصمیم‌گیری‌های اشتباه زاده می‌شوند و با گذشت زمان، آن‌چنان ریشه می‌دوانند که اصلاح همان تصمیمات اولیه به چالشی بزرگ تبدیل می‌شود. نمونه واضح آن، همین بازار فروش فیلترشکن‌ها در کشور است. سیاست‌های سخت‌گیرانه در حوزه فیلترینگ، بدون درنظرگرفتن نیازها و خواسته‌های واقعی مردم، فضایی برای تجارت غیررسمی و زیرزمینی ایجاد کرده است. این فروشندگان، از یک سیاست غلط ارتزاق می‌کنند و با افزایش مشتریان، قدرت اقتصادی و نفوذ بیشتری می‌یابند. در نتیجه، هر تلاش برای اصلاح سیاست فیلترینگ، با مقاومت افرادی مواجه می‌شود که منافع‌شان به بقای این وضعیت گره خورده است.

مثال دیگر، مشاغلی است که به واسطه سیاست‌های سخت‌گیرانه در حوزه حجاب اجباری شکل گرفته‌اند. جرثقیل‌ها و پارکینگ‌هایی که وظیفه حمل و نگهداری خودروهای توقیفی را بر عهده دارند یا حجاب‌بانانی که مأموریت نظارت بر پوشش مردم را دارند، نمونه‌هایی از این روندهای نادرست هستند. حال، حتی اگر دولت به اصلاح این سیاست‌ها تمایل داشته باشد، با مقاومت کسانی مواجه است که از این شغل‌ها درآمد دارند و به اصطلاح خودشان نانی بر سر سفره می‌برند. نمونه جالب دیگر، پیشنهاد اخیر راه‌اندازی «کلینیک ترک بی‌حجابی» است. این ایده، نه راه‌حلی برای یک معضل اجتماعی، بلکه تلاشی است برای حفظ اشتغال گروهی که به‌واسطه سیاست‌های اشتباه در حوزه حجاب شکل گرفته‌اند. به جای اینکه اشتباهات گذشته اصلاح شود، تلاش می‌شود با خلق مشاغل جدید، از بی‌کاری گروهی که از این طریق نان می‌خوردند، جلوگیری شود و با رنگ و لعابی جدید کار آنان را توجیه و تثبیت کند. مشاغل سیاه، اگرچه در ظاهر برای برخی سودآورند، اما درواقع میراث روندهایی هستند که فرصت‌های سازنده و خلاقانه را نابود کرده‌اند. جامعه‌ای که می‌توانست با سیاست‌گذاری درست، شاهد شکوفایی کسب‌وکارهای خدمت‌رسان و ارزشمند باشد، اکنون درگیر صنایعی است که نه‌تنها مفید نیستند، بلکه بار اضافی بر دوش مردم و اقتصاد کشور هستند. در مواردی دیگر که آزار آن چندان عینی نیست، دولت به اسم ساماندهی، وارد شده و سعی می‌کند خود نیز از این سفره طعامی بردارد. روند غلط سابق را به روند غلطی دیگر تبدیل می‌کند و سود آن را به خود یا خودی‌ها تبدیل می‌کند. چنانچه عده‌ای از مسئولان حکومتی به جای برداشتن سنگ فیلترینگ از پیش پای مردم، فروش به‌اصطلاح قانونی فیلترشکن‌ها را تجویز می‌کردند، با الگوگیری از طرح رجیستری تلفن‌های همراه. دولت که نمی‌توانست جلوی قاچاق گوشی‌ها را بگیرد، به اسم قطع ید قاچاقچیان، روندی دندان‌گردانه در پیش گرفته و بیش از قاچاقچیان جیب مردم را خالی می‌کند. این روندهای غیراخلاقی همین‌جا تمام نمی‌شود، بلکه به جامعه نیز سرایت می‌کند و به اشکال دیگر در جامعه اجرا می‌شود. مثل یدک‌کش‌ها و اتوبان‌های‌شان؛ مثل زباله‌های گوشه خیابان و صاحبان‌شان. تنها با این تفاوت که به جای حمایت قانونی، صندوقی تحت عناوین مختلف، حامی آنهاست. اصلاح این وضعیت، نیازمند شجاعت و درایت است. شجاعتی برای رویارویی با مدعیان منافع شخصی و درایتی برای تدوین سیاست‌هایی که به جای ایجاد مشاغل کاذب، زمینه‌ای برای رشد واقعی و پایدار فراهم کند. تنها در این صورت است که خلاقیت و توان جامعه می‌تواند در مسیر درست خود به کار گرفته شود و به جای جامعه‌آزاری، به خدمت به جامعه تبدیل شود. سخت است که خوش‌بین باشیم در این اوضاع نابسامان دولت توان آن را داشته باشد که به مسیر درایت برگردد و از درآمدهای سیاه چشم‌پوشی کند. حتی نزدیک است که از ترقه‌فروش‌ها هم مجوز فروش ترقه درکردن بگیرد یا به اسم تعدیل بازار ترقه، خود واردات ترقه را بر عهده بگیرد.

باز مذاکره و باز کوک‌شدن ساز مخالفت‌ها

ادامه از صفحه ۳

ارده‌ای هم برای به نتیجه رسیدن مذاکره وجود دارد؟

حالا اینکه این مذاکرات، دیدارها و گفت‌وگوها به نتیجه برسد یا نرسد، موضوع دیگری است، کمااینکه هر مذاکره‌ای در دنیا می‌تواند به نتیجه برسد یا نرسد. اما دولت آقای پزشکیان و شخص آقای عراقچی چنین روحیه‌ای ندارند که بخواهند مذاکره با هدف هیچ یا مذاکره برای مذاکره را پیگیری کنند، پس تکرار و تأکید می‌کنم که اگر مذاکره انجام می‌شود، قطعا برای حصول نتیجه خواهد بود. حالا باید ببینیم که اختلاف نظرها و عمق شکاف طرفین اجازه می‌دهد که نتیجه حاصل بشود یا خیر. رسیدن یا نرسیدن به نتیجه دلیل نمی‌شود که ما مذاکره نکنیم یا تصور کنیم که چون به نتیجه نرسیده، اصل انجام مذاکره غلط بوده است. ما باید مذاکره کنیم تا به یک ارزیابی برسیم و باید بفهمیم که عمق شکاف چقدر زیاد است و آیا زمینه و فضایی برای رسیدن به نتیجه و توافق برد-برد وجود دارد یا خیر.

از گفته‌های روز سه‌شنبه محمدباقر قالیباف وام بگیرم که گفته بود «زمانی بود که در مواجهه با تهدیدات دشمنان می‌گفتیم نفت را روی شما می‌بندیم و اهرم تهدید ما بود، اما امروز و با این وضعیت، کدام نفت را می‌بندیم و کدام بازار را داریم؟». این جمله اشاره‌ای تلویحی به افسانه پاییز و زمستان سرد دارد که درست بعد از سفر مرداد ۱۴۰۱ جوزپ بورل در مقام مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به تهران مطرح شد. آن زمان بورل صراحتا عنوان کرد که بسته پیشنهادی او آخرین راه‌حل برای رسیدن به توافق است که با همین ذهنیت رادیکال‌های داخلی در دولت سیزدهم نهایتا مذاکرات به نتیجه نرسید. اکنون هم که زمزمه گفت‌وگوهای ژنو مطرح شده، دوباره رادیکال‌ها بر طبل مذاکره‌نکردن می‌کوبند. اگرچه نگاه و رویکرد دولت رئیسی با پزشکیان قابل قیاس نیست، اما رادیکال‌های داخلی که همان رویکرد را با توانی دوچندان دارند. آیا می‌توان سرنوشتی مانند پاییز و زمستان سرد را برای مذاکرات پیش‌روی دولت پزشکیان متصور بود؟

اولا اینکه تصور کنیم تئوری پاییز و زمستان سرد از طرف چند رسانه مطرح و باعث تغییر نگاه و تصمیم دولت مرحوم رئیسی در امر گفت‌وگو با غرب شد، قدری دور از واقعیت است.

چرا؟

چون این تئوری، محوری بود که از طرف طیف نزدیکی به دولت سیزدهم مطرح شد و صرفا رسانه‌ها آن را بازگو می‌کردند. البته منکر این نیستم که برخی رسانه‌ها همین توصیه را داشتند که براساس همین تئوری، مذاکرات با غربی‌ها را متوقف کنند. حالا اینکه این تئوری یا توصیه چقدر درست یا غلط بود، بماند زیرا گذر زمان درست یا غلط‌بودن آن را به‌وضوح نشان داد. اما واقع امر این است که تئوری پاییز و زمستان سرد، صرفا واکنش رسانه‌ای نبود، بلکه کنش سیاسیون و دیپلمات‌های دولت مرحوم رئیسی بود، بنابراین اکنون هم باید نگاه و نظر بخش سیاسی و دیپلماتیک دولت آقای پزشکیان را جویا شویم و براساس آن باید پیش رفت، کمااینکه در دولت آقای رئیسی هم براساس همان تئوری پاییز و زمستان سرد پیش رفتند و به آن نتیجه رسیدند و دیدیم که آن تئوری در عمل به هیچ نتیجه‌ای نرسید. اینجاست که دوباره گفته خودم را تکرار می‌کنم که طیفی معتقدند صرف انجام مذاکره یعنی باید به نتیجه ختم شود. خیر، ما اینجا تضمینی برای رسیدن به نتیجه نداریم. ما تحلیل داریم که براساس ضرورت‌ها و اقتضائات جاری کشور و مبتنی بر چارچوب کلان نظام و سیاست‌های ابلاغی مراجع بالادستی، مذاکرات را انجام دهیم. حاصل‌شدن یا حاصل‌نشدن نتیجه بعد از انجام مذاکره است، نه قبل از آن. همچنان که مذاکره‌نکردن هم تبعات خاص خود را دارد. در دولت آقای رئیسی براساس تئوری پاییز و زمستان سرد، مذاکرات را متوقف کردند و تبعات خاص خود را داشت. اکنون هم دولت دکتر پزشکیان مذاکره را در دستور کار دارد و باید ببینیم براساس تحلیل و نگاه و رویکرد دولت آقای پزشکیان، نتیجه حاصل خواهد شد یا خیر.

انتقاد جدی به تحلیل و ارزیابی شما در طول مصاحبه دارم.

از چه نظر؟

از منظر «ساختار-کارگزار» تفاوت چندانی بین ظریف، امیرعبداللهیان و عراقچی وجود ندارد و همه مجری سیاست‌های ابلاغی هستند.

به نظر من تفاوت آنها واضح است. همین که عملکرد دکتر ظریف و دکتر عراقچی را با مرحوم امیرعبداللهیان در کنار هم می‌گذاریم، تفاوت‌شان آشکار می‌شود.

***ولی ظریف در مصاحبه‌ای صراحتا عنوان کرد که نقش او در حوزه سیاست خارجی تقریبا صفر است.**

نه، به این شکل نگفت که نقش من در حوزه سیاست خارجی صفر است، بلکه عنوان کردند که در حوزه تعیین سیاست‌های کلان مربوط به حوزه دیپلماتیک، دستگاه‌ها، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی نقش‌آفرین هستند و یکی از این نهادها هم وزارت امور خارجه است، یعنی تعیین و تبیین مبانی کلان سیاست خارجی صرفا دست وزارت امور خارجه نیست و وزیر امور خارجه و وزارت امور خارجه، یگانه نهاد برای ترسیم کل مبانی کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیستند. درواقع وزارت امور خارجه و وزیر نقش مجری این سیاست‌های کلان را دارند.

با توجه به مجموعه نکاتی که عنوان کردید، ارزیابی‌تان از گفت‌وگوهای ژنو چیست؟ آیا واقعا دولت پزشکیان سعی دارد با تنش‌زدایی در مناسبات اروپا از قاره سبز به‌عنوان میانجی برای مذاکره بزرگ‌تر با دولت دوم دونالد ترامپ استفاده کند یا شاهد مذاکرات موازی با اروپایی‌ها هستیم؟

هیچ‌کدام.

به چه دلیل هیچ‌کدام؟

چون فعلا آنچه قرار است در ژنو اتفاق بیفتد، مذاکره جدی نیست، بلکه صرفا دیدار و گفت‌وگوهای اولیه است. من دوباره تأکید می‌کنم که انجام گفت‌وگوهای ژنو برای این است که یک ارزیابی ابتدایی از همدیگر داشته باشیم و بفهمیم که سطح اختلاف نظر طرفین چقدر است و آیا می‌توان فضا را برای ترسیم مذاکرات جدی‌تر فراهم کرد یا خیر. فعلا هیچ چیزی قطعی نیست و نمی‌توان برای گفت‌وگوهای ژنو دستاوردسازی یا نتیجه‌سازی کرد. ما فعلا گفت‌وگو را آغاز می‌کنیم و این گفت‌وگوهای اولیه برای ارزیابی دقیق‌تر از همدیگر است. اینکه مذاکرات برای بهبود روابط با اروپاست یا اینکه بخواهیم اروپایی‌ها را واسطه برای مذاکرات با دولت ترامپ کنیم، موضوع ثانویه است. اول باید ببینیم چه اتفاقی در ژنو می‌افتد و طرفین چه برآوردی از همدیگر دارند. این را هم باید در نظر بگیریم که صرف حضور آقای دکتر عراقچی، آقای دکتر روانچی و دکتر ظریف در دولت پزشکیان، نباید این توقع و انتظار غلط را در رسانه‌ها و افکار عمومی به وجود آورد که گفت‌وگوهای ژنو یا ادامه مذاکرات احتمالی می‌تواند به نتیجه ختم شود. به هر حال اختلاف نظرها، چالش‌ها، مشکلات و شرایط حاضر در نظام بین‌الملل به‌شدت متفاوت از دولت رئیسی و دولت روحانی است. ما با یک شرایط کاملا جدید مواجهیم که با روی‌کارآمدن موجودی به نام دونالد ترامپ پیچیده‌تر، سخت‌تر و مبهم‌تر شده است. با این حال شخص آقای دکتر عراقچی و دکتر روانچی براساس منافع ملی و امنیت ملی عمل می‌کنند و نه تحت تأثیر جریان‌ها قرار می‌گیرند که عجولانه به دنبال مذاکره با غرب به هر قیمتی هستند و نه تسلیم جریان‌های تندرویی می‌شوند که سعی دارند به هر نحوی که شده، درهای دیپلماسی را ببندند.

باز هم با بخشی از گفته شما مخالفم. اینکه ما با طیف گسترده‌ای از چالش‌ها؛ از جنگ اوکراین و مسئله هسته‌ای تا حقوق بشر و تحولات خاورمیانه و بسیاری از موضوعات دیگر در به‌وجودآمدن این میزان از گسل با غربی‌ها و مشخصا اروپا مواجهیم و همین مسئله مذاکرات در دولت پزشکیان را پیچیده‌تر و سخت‌تر از روحانی و رئیسی کرده، کاملا مسجل است. اما وضعیت داخلی کشور از ناترازی انرژی تا مشکلات معیشتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... هم اجازه نمی‌دهد ما از این میزان از آزادی عمل که عنوان کردید، برخوردار باشیم و این تصور را بکنیم که فرصت نامحدودی در اختیار دولت پزشکیان است. فراموش نکنیم که حدود یک ماه دیگر دولت دونالد ترامپ روی کار می‌آید و از سوی دیگر تا مهرماه ۱۴۰۴ مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها فعال می‌شود.

نکته شما از یک جنبه درست است. نباید به واسطه اینکه سطح اختلافات بسیار زیاد است و از طرف دیگر شرایط جاری کشور هم ضرورت می‌کند مذاکرات انجام شود، با نوعی تعجیل یا شتاب‌زدگی در مذاکرات عمل کنیم و به فوریت شروط مذاکرات را با اروپا و آمریکا مطرح کنیم تا خودمان را در «اضطرار» نشان دهیم. نه باید خودمان را در شتاب‌زدگی دیپلماتیک قرار دهیم و نه از آن طرف، فرصتی هم برای مذاکرات فرسایشی داریم. من قبل‌تر اشاره کردم که کشور اجازه نمی‌دهد ما فرصت‌سوزی بکنیم و مذاکرات را فرسایشی کنیم. اما فراموش نکنیم اکنون اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به مراتب تندتر از سال‌های قبل هستند. میزان و شدت تحریم‌ها و همچنین لحن مقامات اروپایی و آمریکا علیه ما کاملا بی‌سابقه است و همین موضوع امر مذاکره از سوی دولت پزشکیان را سخت‌تر و پیچیده‌تر کرده است. به همین دلیل است که می‌گویم نباید در رسانه‌ها نوعی فضاسازی و دستاوردسازی از گفت‌وگوهای ژنو داشت، چون در صورت حاصل‌نشدن نتیجه نوعی ناامیدی در جامعه شکل می‌گیرد. باید ببینیم که فضا به چه سمتی پیش می‌رود و برآوردهای اولیه طرفین از همدیگر چیست و آیا می‌توانیم زمینه برای تنش‌زدایی در روابط اروپا را انجام دهیم یا مناسبات به سمتی پیش برود که مذاکرات با آمریکا را هم کلید بزنیم یا خیر؟ چون گفتم امکان دارد اصلا گفت‌وگوها به نتیجه نرسد یا نتوانیم اروپا را واسطه مذاکره با دولت دونالد ترامپ قرار دهیم. هرچند به باور من اتحادیه اروپا میانجیگر صالحی برای گفت‌وگو با آمریکا نیست. تجربه این را نشان داده است، اما به هر حال هر سناریویی باید در یک آرامش روانی و آرامش دیپلماتیک پی گرفته شود. به‌همین‌دلیل توصیه اکید دارم «نه تعجیل و نه فرصت‌سوزی و فرسایشی‌کردن مذاکرات». دولت آقای پزشکیان و شخص دکتر عراقچی، آماده مذاکرات جدی نتیجه‌محور هستند. حالا اینکه یک روز طول بکشد یا ۱۰ سال، این دیگر بستگی به فضای مذاکرات دارد. مهم این است که مذاکرات، هم جدی و هم نتیجه‌محور و پیش‌رونده باشد.

برخلاف آنچه عنوان کردید، ما شاهد یک فضای ابهام یا سیاست ابهام عمدی از سوی تهران در قبال غرب هستیم. از یک سو گفت‌وگوهای ژنو و چراغ سبز برای مذاکره مطرح است و در سوی دیگر طیفی هم بر تغییر دکترین هسته‌ای مانور می‌دهند. این موج سینوسی چه معنایی می‌دهد؟ جز اینکه فضای فرسایشی در امر مذاکره و پیگیری سیاست ابهام در دستور کار است؟

اینکه برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای از تغییر دکترین هسته‌ای و ساخت سلاح اتمی می‌گویند، صرفا یک شائبه است... .

شائبه است؟

بله، دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سیاست‌های کلان نظام کاملا مشخص است و به ما دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیستیم، بنابراین اصلا سیاست ابهام را نه لازم می‌بینم، نه ممکن و نه مطلوب. سیاست شفافیت در دیپلماسی بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای تنش‌زدایی است، چون جمهوری اسلامی ایران چیزی برای پنهان‌کردن یا ابهام ندارد.

گزارش

بسته‌شدن ۲ پرونده فدرال علیه ترامپ

دادستان‌های ایالات متحده موافقت خود با بسته‌شدن دو پرونده جنایی فدرال علیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا را اعلام کردند. این دو پرونده یکی مربوط به مداخله انتخاباتی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ و دیگری مربوط به اسناد طبقه‌بندی‌شده و نگهداری آنها توسط ترامپ در اقامتگاه خود بود. جک اسمیت، بازپرس ویژه، اتهامات مربوط به پرونده مداخله انتخاباتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا را رد کرد. این در حالی است که او درباره حکم قاضی در پرونده اسناد طبقه‌بندی‌شده رئیس‌جمهور منتخب آمریکا درخواست تجدیدنظر کرده است. تیم اسمیت در پرونده شش‌صفحه‌ای دادگاه فدرال واشنگتن نوشت: «وزارت دادگستری با استناد به پیروزی اخیر ترامپ در انتخابات از مدت‌ها قبل می‌گفت که قانون اساسی ایجاب می‌کند پرونده او قبل از مراسم تحلیف مختومه شود».

به گزارش تیم اسمیت، وزارت دادگستری معتقد است براساس سیاست دیرینه‌ای که می‌گوید کسی نمی‌تواند رؤسای جمهور مستقر را تحت تعقیب قرار دهد، دیگر نمی‌توان رئیس‌جمهور منتخب آمریکا را به پای میز محاکمه کشاند. سیاست مورد نظر اسمیت در وزارت دادگستری آمریکا که به دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد، می‌گوید تعقیب کیفری رئیس‌جمهور مستقر، به‌واسطه تضعیف عمکرد رئیس اجرائی کشور، قانون اساسی آمریکا را نقض می‌کند. تانیا چوتکان، قاضی منطقه‌ای آمریکا، ساعاتی بعد با بسته‌شدن پرونده انتخابات موافقت کرد.

ترامپ اغلب از دو پرونده اسمیت که از جانب مریک گارلند، دادستان کل مستعفی آمریکا، به عنوان بازرس ویژه پرونده معرفی شده بود، انتقاد کرده و آنها را تلاشی برای استفاده از وزارت دادگستری برای هدف‌گرفتن یک مخالف سیاسی دانسته است. ترامپ در اوایل سال جاری به مجری یک برنامه رادیویی گفت که اگر در انتخابات برنده شود، اسمیت را از سمت بازرس ویژه خلع خواهد کرد. پرونده انتخاباتی اسمیت درنهایت به صدور حکم دیوان عالی آمریکا در اول جولای انجامید که براساس آن، رؤسای جمهور در قبال اقدامات و وظایف رسمی خود مصونیت قضائی پیدا کردند. اسمیت ماه‌ها بعد کیفرخواست دیگری ارائه کرد و در آن گفت که ترامپ در زمان نقض قانون به میل خود و خارج از چارچوب وظایف ریاست‌جمهوری عمل می‌کرد. ترامپ درباره این اتهامات اظهار بی‌گناهی کرده بود.

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت (۲۹۹۵۸۸ سری ج سال ۹۱) شش دانگ عرصه و اعیان یک واحد آپارتمان بشماره پلاک ۲۲۷ فرعی از ۱۵۴۵ اصلی ذیل ثبت و صفحه ۲۹-۲۳۳۰۱ دفتر ۱۶۷ اداری بنام آقای عیسی مرادی ثبت و صادر گردیده است سپس، مالک طی درخواست الکترونیکی ارسالی دفترخانه ۲۵۲ آستارا بشماره ۱۴۰۳۶۲۶۵۰۶۰۳۰۰۰۶۵۵ - ۱۴۰۳۸.۲۷ منضم به دو برگ شهادت شهود اعلام داشته که اصل سند مالکیت در ید مالک بوده و بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند المثنی را نموده است. لذا مراتب بر اساس ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت منتشر چنانچه هر کس اعم از حقیقی و یا حقوقی مدعی حقی و یا وقوع معامله بنفع خویش و یا وجود اسناد مالکیت اولیه نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز می تواند اعتراض خود را کتباً با ارائه اصل سند مالکیت و یا اصل سند معامله به این اداره اعلام ورسید دریافت نماید در غیر این صورت برابر مقررات جاری ثبت اقدام خواهد شد.

سرپرست ثبت اسناد واملاک ۷۸۱۹

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

پروانه اشتغال به کار **شرکت ارکان بنای دینا** ثبت شده به شماره ۵۶۸۴۵۳ و تاریخ ثبت ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ در اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی استان تهران شهر تهران، نظام مهندسی استان تهران به شماره عضویت ۱۳۷۰۰۲-ح-۱۰ و شماره پروانه اشتغال ۱۹۱۰۰۰۹۵۰ و تاریخ اعتبار ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز **خودرو سمندال ایکس** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ۲۸۴ ه ۸۲ ایران ۸۸ و شماره موتور 147H0097381 و شماره شاسی NAACR1HW3EF582835 به نام **حسین رحمتی زاده ذاقلی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

گواهی موقت مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب زهرا عزیز آبادی فراهانی** فرزند جعفر به شماره شناسنامه ۷۰۳ صادره از تهران در مقطع دکتری رشته جامعه شناسی صادره از واحد دانشگاهی آزاد تهران مرکزی با شماره ۸۷۵۸۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی تهران، سوهانک، بلوار ارتش، میدان قائم، خیابان خندان، خیابان سلماس ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب حسین فاتح** فرزند حسن به کدملی ۰۰۶۱۶۸۹۷۳۴ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته کشاورزی- زراعت و اصلاح نباتات صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی (ره) با شماره ۷۹۱۳۹۰۰۱۲۷۸۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۱۴۴ - دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام خمینی (ره) ارسال نماید

قبوض انبار شرکت سام پلاست پدیده ساز جوان به شماره های ۹۹۳۰۰۵۹۱ و ۱۴۳۰۰۸۳۴ صادر از گمرک منطقه ویژه اقتصادی پیام مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت خودرو پژو روآ مشکی مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک: ۱۲ل۲۵۷ ایران ۲۱، شماره شاسی: ۶۱۲۲۴۹۶۴ و شماره موتور ۱۱۶۸۶۰۹۸۴۸۷ به نام مرتضی نبی زاده با کدملی ۳۲۵۶۹۱۸۲۴۷ در تاریخ ۱۴۰۲/۵/۰۴ مفقود شده و فاقد اعتبار است .